

ایران دانشجو

نشریه
کمیته دانشجویان دانشگاه تهران
وابسته به جبهه ملی

بهار ۳۱ ریال شماره ۸
۲۹ خرداد ۴۰

۲۹ خرداد روز خلع ید و روز
بشمور رسیدن مبارزه مردم ایران را
بپرده پارزنی و وطن تبریک میگوییم

در صفوف متحد
(جبهه ملی ایران)
هتاشکل شوید

نظام و حکم و بنما

پس از هفت سال پرده ها دریده شد، صحنه آرائی های مسخره پایان یافت و هیئت حاکمه فاسد ایران از ثنا خوانیها و مداهای احقانه خود در باره «ایران خرابیخت!» و «ترقیات شگرف!» دست برداشت و عاجزانه دم فرو بست.

بحکم ضروریات عناصری از خود هیئت حاکمه مجبور شدند از کتداب متعفن که در مدت ۷ سال حکومت چایرانه خود کوشش کرده بودند با ربا و تزویر و سر نیزه و شلاق بهشت برین جلوه گری سازند و پرده بردارند چه دروغها که نگفتند و چه لاف و کزاف ها که نزدند و پس از آنکه همه این خیمه شب بازیها و پرده های ربا و تزویر از پوشاندن این کتداب متعفن عاجز آمد بر سر کوی و برزن بانگ برداشتند که «ای وای مملکت در کنار برنگام نیستی فرار دارد»

ولی از همان ابتدا معلوم بود که نه آن ظاهر سازیها و تبلیغات مسخره قادر است ملت ایران را فریب دهد و مجذوب کند و نه این حبس و شلاق و شکنجه ترانائی آنها دارد که ملت ما را مرعوب سازد و او را از مبارزه باز دارد.

امروز نیز بخوبی هویدا است که هیئت حاکمه در آنچه که میگوید صادق نیست و نمیتواند مشکلات کشور ما را از زمین ببرد و ما را از این چنبره ورگردد قرون وسطائی نجات دهد. زیرا قنار در ریشه خود این درخت تناور! کرم خورده است و با قطع چند شاخ و برگ کاری از پیش نمیرود.

امروز نیز معلوم است که آن فریبها و تیرنگها، آن دروغها و تزویرها با بنحود بگری - چه عیب و بیبوده - برای گمراه کردن مردم تکرار میشود و همه اینها نشان میدهد که این «فریق» هنوز بنجات خود امیدوار است و هنوز راه رهایی میجوید و بسوی هر تخته پاره ای که میرود چاه می اندازد تا شاید از این «غرقاب مخوف و وحشتناک» نجات دهد.



با آقایان محترم عزیزم دانشجویان دانشگاه تهران وابسته به جبهه ملی اهداء میشود
احمد آباد ۲۲ خرداد ۱۳۴۰
دکتر محمد مصدق

لائوس

سرزمین جنگ و صلح

بحث آموزشی

۳

این مقاله بر اساس سلسله مقالات اکسپرس چاپ پاریس که قسمتی از آن در کیهان ترجمه شده است نوشته شده

لائوس را بحق سرزمین جنگ و صلح میتوان نامید. جنگ مداوم و صلح غیر مداوم. زیرا سالهاست که با جریان جنگهای آنرا در روزنامه ها میخوانیم و از رادیوها میشنویم و با چگونگی «کنفرانسهای صلح» و پیشنهادات «آتش بس» آنها، در حال نه رادیوها و نه روزنامه ها خالی از جریان جنگ یا صلح لائوس نیستند.

اما در این هفته علاوه بر اینکه کمیونیتی جنگ و مبارزه در کوهستانها و جنگلهای آن جریان داشت. در چند نقطه دیگر جهان نیز عده ای گرد هم آمده اند و داعیه آن دارند که راجع به صلح و آشتی در لائوس صحبت میکنند و برای پایان دادن باین جنگ و صلح راه چاره میجویند.

بقیه در صفحه ۳



نمونه ای از تظاهرات عظیم و پرشور دانشجویان در سه ماه اخیر برهبری جبهه ملی ایران

درواه میهن

در راه میهن
چه ها که نکردیم
گروهی کشته شدیم
و گروهی سخن راندیم

اورهان ولی - شاعر ترک

اشخاصی که میگویند اگر بمردم آزادی بدهیم از آن سوء استفاده میکنند، حکم کسانی را دارند که معتمدند بلیل درخت های انگور را از ریشه کند، چون پاره ای میخواران مست میشوند و بد مستی میکنند

والتور

سردار پیر

تا روشنی بر آید و نیکی مدد کند
مزدای پیر خمله بر دیو و دد کند
تا شب فرو ببرد بر آستان صبح
خورشید عدل و داد ره ظلم سد کند
تا دست ملت بدر آید ز آستین
منشور شوم فتنه فرعون رد کند
تا قرنها اسارت ایران بسر رسد
تا شیر پیر یار دیگر «خلع ید» کند
فریاد شوق از دل هر مرد و زن بیاست
سردار پیر ساحل شهر طلا کجاست
«بابک»

۲۹ خرداد سالروز خلع ید

روزهای درخشان، در تاریخ مبارزات ملت ما پس گرانقدر و ارزنده است، که از زندگی آن با شکوه و جلال بترک اعصار و قرون میدرخشد و چنین روز های بزرگی است که به قیاد تاریخی مبارزه ملت ما تبدیل میشود

در تاریخ ملت کهنسال ورنجدیده ما از این روز ها کم نیست، روز هایی که یاد دلاوریها، قهرمانیها و جانفشانیهای ملت ما را برای آزادی و استقلال در خاطر ما زنده میکند

روز ۲۹ خرداد یکی از این روزهای درخشان اختصار آمیزی است که در تاریخ مبارزات شد استعماری ملت ایران میدرخشد. در روز ۲۹ خرداد سال ۱۳۳۰ مبارزات ملت ایران بخاطر ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور منتهی باین شد که از شرکت غاصب نفت ایران و انگلیس بطور کامل خلع ید شود و منابع طلای سیاه که سالها بود استعمار گران انگلیسی از آن بهره برداری میکردند در اختیار ملت ایران قرار داده شد و در آنروز های پرهیجان و شور انگیز که ملت ایران بر رهبری دکتر محمد مصدق سرشار از شوق و امید بخاطر استیفاء منافع ملی و قطع نفوذ اجانب و تأمین استقلال و آزادی واقعی مبارزه میکرد واقعه ۲۹ خرداد پیروزی کم اهمیتی نبود بلکه برعکس، با

بقیه در صفحه ۴

خبرها

داستان «آزادی» در ایران داستان عجیبی است و عجیبتر از آن داستان «آزادی» در حکومت فعلی ایران

هنوز هم دستکاهای نظامی دولت و سازمان امنیت چون دزدان نیمه شب در نیمه شب و در بون ازاد بخیر امان ایران خصوصاً دانشجویان قصد سبقت گرفتن از هم را دارند دولت میگوید: «من اجازه دستگیری ندادم» اما دستکاهای نظامی و سازمان امنیت میگوید: «دولت منم» چند روز قبل دانشجویان را بعلت توزیع اعلامیه های جبهه ملی بازداشت میکنند بازداشت دانشجویان عجیب نیست چون بطور مداوم ادامه دارد اما جالب تر آنکه در سازمان امنیت بدانجوری بازداشتی پیشنهاد میشود که «پول فرتوانی بترتعلق خواهد گرفت اگر با همکاری کنی و اعلامیه های جبهه ملی را تحویل ما دهی و حتی تدارک سفر با آمریکا را نیز برای تو فراهم خواهیم کرد» اما جز نیشخند مسخره آمیز چنین پیشنهادی راجه پاسخ مناسبتر خواهد بود؟ دانشجویان بازداشتی نیز همین پاسخ را دادند

* آمریکا - مبارزه جوانان وطن ما در سراسر دنیا علاقه و صمیمیت آنان را بمبارزه ای که مردم ایران آغاز کرده اند نشان میدهد فعالیت دانشجویان ایرانی در خارج از کشور علاوه بر تشکیل اجتماعات عمومی و سخنرانی های جالب و تظاهرات و میتینگ در موقع لزوم، در مورد انتشار نشریات سردند و آموزشنده نیز قابل ستایش است.

نشریات: دانشجو - پندار - ایران نامه نمونه تالیفی مداوم دانشجویان آگاه ایرانی ما هم امریکاست که در خلال آن بوضوح از مبارزات ملت ایران حمایت میشود مبارزه همه جوانان وطن مادر خارج از کشور تقویت و شناسائی صحیح جبهه ملی را بیشتر و همبستگی شدید همه نیروهای ملی را افزون تر خواهد کرد خصوصاً مقاله شماره اخیر مجله دانشجو شامل نکات برجسته ای در زمینه مبارزات ملت های آسیا و آفریقا و پیروزیهای درخشان نهضت های ملی است. موفقیت دوستان ارزنده خود را صمیمانه آرزو مندیم

اقتضای از اللهیار صالح در اصفهان

دولت امنیتی و سازمان امنیت و پاسبی دست بدست هم داده از سفر آقای اللهیار صالح باصفهان ممانعت کردند با وجود این مردم اصفهان صبح زود برای استقبال از صالح با دسته های گل بسوی فرودگاه اصفهان رهپار شدند پاسبی تمام پل های زاینده رود را بقیه در صفحه ۴

از خریدن و سخن آندن نشریات اطلاعات ارگان میاستهای استعماری در ایران خود داری گنبد

صنعت خانگی است ، راه آهن وجود ندارد ، راههای شوسه نیز غیر از چند شاهراهی که که در زمان تسلط ژاپنی ها ساخته شده و پایتخت را به خارج کشور وصل میکند ، قابل استفاده نیست ، و وسیله ارتباطی کشور فقط رود « مکونگ » است که در غرب کشور از شمال بجنوب جاری است ؛ کوهستانهای بلند ، جنگلهای انبوهی که بلا استفاده مانده ، اقتصاد فرسوده فئودالیزم و عوامل دیگری که نتیجه فرقه مالک انطاویلی و بخصوص استعمار نیم قرن فرانسه باعث شده که لائوس حتی از کشورهای مجاور خود هم خیلی کمتر رشد بکند .

تاریخ این کشور کوچک پر است از حملات طوایف مختلف و جنگ و ستیز آنها ، و در هر حال تسلط یکی از این قبایل بیگانه بر کشور لائوس .

از ۲ قرن پیش از میلاد تا حدود سالهای ۱۹۰۰ میلادی ، بترتیب لائوس در تسلط سلطین « نان - شانگ » که چینی بودند « کمرها » که کامبوجی بودند « نائیها » که سیامی بودند برمه ایها و آنامیها بوده است و در فاصله ۱۹۴۰-۱۸۹۳ میلادی هم بتصرف فرانسویها در آمده است

از سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۵ (در فاصله جنگ بین الملل دوم) ژاپنیها بر لائوس مسلط شدند ،

بعد از جنگ نهضت های استقلال طلبانه در لائوس (همانند سایر کشورهای مستعمره) بوجود آمد و جنگهای شدیدی بین استقلال طلبان انقلابی و سربازان فرانسوی بوجود پیوست که بالاخره منجر باستقلال این کشور گردید ، لائوس ، آخرین قسمت هندوچین نیز ، استقلال یافت ، استقلال بعد از فرقه مستعمره بودن ،

ولی بعد از استقلال نیز ، چون نیروهای استعمار حاضر به آزاد کردن کامل لائوس نبودند ، جنگهای انقلابی ادامه یافت و در این جنگها انقلابیون دست چپ لائوس « پانت لائو » پیشرفت های درخشانی کردند و ناحیه وسیعی را در شمال کشور مسخر شدند و این جنگها تا سال ۱۹۵۴ ادامه داشت ، در این سال کنفرانس صلحی برای پایان دادن بجنگهای چندین ساله لائوس منعقد شد « در این کنفرانس ایالات متحده آمریکا شرکت نکرد و کنفرانس تصویب کرد که آتش بس اعلام شود و انتخابات عمومی برای تعیین اعضای مجلس ملی در سراسر کشور انجام گیرد ، در زمستان سال ۱۹۵۴ انتخابات عمومی انجام شد و با وجود تلاشهای شدید استعمار و طرفدارانش ، مجلسی بوجود آمد که مرد ملی لائوس شاهزاده سووانا فوما را بریاست سوت برگزید

ژانویه ۱۹۵۵

فوما فوراً شروع به کار کرد ، با رهبران دستجات مختلف مذاکره نمود و کوشش بسیاری کرد تا بیرون عقاید مختلف را با هم آشتی دهد و نیروهای پانت لائو و استانیهای را که در دست آنان بود جزء کشور کند و از اینرو با « پرنس سوفانو ونگ » رهبر پانت لائو که نابرابری سووانا فوماست وارد گفتگو شد این مذاکرات ۲۲ ماه بطول انجامید و سرانجام در نوامبر سال ۱۹۵۷ علیه کارشکنی های آقای « پارسون » سفير آمریکا به نتیجه رسید

بنا بر رای مجلس ملی ، کلیه نیروهای نظامی پانت لائو که از ۱۵۰۰ نفر تجاوز نمی کرد ، با کلیه ساز و برگ خود در زمزمه ارتش محسوب شد و نیروهای غیر نظامی پانت لائو جزو ادارات پادشاهی پذیرفته شدند ، بنابر این پیمان ، شاهزاده سوفانو ونگ قرار بود بوزارت بر نامه و یکی دیگر از سران پانت لائو بوزارت فرهنگ منصوب شوند . شش ماه بعد انتخابات نظامی به حزب سیاسی « فئولائوها کسات » میدل شده بود از ۲۱ کرسی ۱۳ کرسی را بدست آورد . این پیروزی سیاسی جبهه چپ در چشم آقای پارسون سفير آمریکا بمثابة آن بود که عاقبت دموکراسی به کمونیزم میانجامد و تنها چاره نگه داری لائوس در حلقه « دنیای آزاد » آنستکه « یک دولت قوی و مقتدر » در آنجا روی کاد بیاید که از لحاظ نظامی وابسته به آمریکا باشد .

واقعیت آنستکه قوای پانت لائو اصلا کمونیست نبودند ، منتها علاوه بر اعتقاد به بیطرفی با آمریکا هم مخالف بودند و این دودلیل داشت :

اول اینکه آمریکا با بیطرفی لائوس « همانند سایر کشورها » مخالفت میکرد و دوم اینکه آمریکا با دلار های خود کروهی را رشوه گیر میکرد و مملکت را فساد و بدبختی میکشاند از طرف دیگر پانت لائوها در صحنه سیاسی مظهر آرمانهای فداکاری و ریاضت کشی بودائی بودند و سهولت نتوانستند روحانیون را قانع کنند که وزیران شکمخواره و خوشگذران و بازرگانان پایتخت ، دشمنان ملت و خصم دین هستند

اما دولت آیزنهاور اینطور نتیجه گیری کرد که پانت لائو ها ضد آمریکائی اند و بنابر این کمونیست هستند .

پس شاهزاده سووانا فوما هم که با آنها سازش میکرد ، باید عامل مکتوباشد و بناچار بایستی او را از میان برداشت ! کار ساده بود ؛ آمریکا کمک خود را به لائوس قطع کرد ، بیدرنک افسران و وزیرانی که از این کمک بهره مند میشدند بصد درآمدند و بدولت سووانا فوما فشار آوردند . ارتش هم برای نشان دادن آنکه شایستگی کمک آمریکا را دارد ، یک گروهان پانت لائو را تحت محاصره در آورد و دولتی روی کار آمد که مرد نیرومندی « سرهنگ فومی نوساوان » بود

و فومی دوباره لائوس را بخون کشید ، پس در پی از آمریکا دلار و اسلحه گرفت ، دلارها در بانک های خارجی بحساب های شخصی واریز شد و اسلحه ها هم بر روی مردم آزمایش گردید!

« فئولائوها کسات » ها هم بچنگل ها و دشت های شمالی پناه برد و دو باره پیشروی را آغاز کردند و سام نوا بزرگترین شهر منطقه شمالی « را مسخر شدند . و این دفعه در جنوب هم سرعت به پیشروی پرداختند و آنوقت فومی مرتب بزرگ دستاورد دستور میداد که پانت لائوها را از میان بردارند و مرتب جیب های خود را پر میکرد ، و کشور را به سرایش سقوط میکشاند . و روز بروز بر عده ناراضیها میافزود تا اینکه در شب ۹ ماه اوت ۱۹۶۰ که تمام اعضای دولت بحضور « ساوانک واتانا » پادشاه لائوس به لوآننگ پرا بانگ رفته بودند « سروان کنگ له » فرمانده تیپ چتر باز افسری که در دین بین فوجنگیده و لقب برجسته ترین افسر ارتش را دریافت کرده و با این وجود تنها افسری بود که بر ارتش جنگ نروتمند نشده و پولی نپندوخته بود . با تیپ چتر باز خود پایتخت را گرفت و مجلس ملی دوباره شاهزاده سووانا فوما را بانفاق آرا به نخست وزیری انتخاب کرد ، و از نو بیطرفی در لائوس حکمروائی یافت .

کنگ له در این ایام « چنین اعلام داشت ، « دولت ما را به جنگ پانت لائو می فرستاد و مکتوب : « اینها کمونیست هستند » ولی این دروغ بود من بچشم خود دیدم آنکه بروی مردم شلیک میکند و دهات را به آتش میکشد ، ارتش مرکزی است نه نیروهای پانت لائو حتی دهکده زادگاه خود من را قوای ما آتش زدند ، وقتی از مردم می پرسیدم : چرا با ما مخالفتید ؟ همه جواب میدادند : « برای اینکه از این رژیم مفتضح بکنک آمده ایم » من آماده ام در راه لائوس کشته شوم ، منتها حاضر نیستم در راه فساد و برای یک مشت آدم خائن و نالایق بجنگم ، هر چه همدیگر را کشتیم بس است « -

بلافاصله مذاکره با پانت لائو دوباره شروع شد و آنها قبول کردند که باز با دولت همطری کنند . دولت جدید را آمریکا هم برسمیت شناخت ، ژنرال فومی نوساوان به ساوانا تاخت تا کمیته ضد انقلابی خود را علم کند ، دولت سووانا فوما به مذاکره پرداخت تا هر دو جناح را بطور متساوی در امور شرکت دهد .

زمان هم بکم رسید و چیزی نمانده بود که سرسختی دو طرف افراطی از میان برداشته شود ، ولی یکمرتبه دولت آمریکا با آنکه حکومت سووانا فوما را برسمیت شناخته بود ژنرال فومی را تحریک به استقامت نمود . در ۱۳ سپتامبر ۱۹۶۰ فومی با « پرنس بن اوم » دولتی تشکیل داد و حکومت نظامی اعلام کرد باز جنگ در گرفت ، آمریکا آنچه توانست به یسایان فومی کمک رساند و بوسیله یک پل هوایی پی در پی اسلحه و پول و خواربار برایشان فرستاد در ۱۸ سپتامبر ، هیئت مستشاران آمریکائی به ژنرال فومی پیوستند ، وین تیان پایتخت لائوس بوسیله هوایماهایی که از خاک سیام بلند شده بودند بمباران شد .

بدین ترتیب شرکت یافتن دو جناح در دولت لائوس دوبار بوسیله دولت آمریکا خنثی شد آنها درست در لحظه ای که کارها نزدیک تر به برابری شدن بوده است .

در ۲۰ نوامبر ، دولت قانونی لائوس با پانت لائو متحد شد تا بطور مشترک شورش آمریکائی ژنرال فومی را درهم بشکنند ، آمریکا در جواب آنها با چتر برای یسایان اسلحه سنگین فروریخت وین تیان به فحطی و ترسیدن بزمین تهدید شد و آنوقت دولت لائوس اعلام داشت که « دیگر حاضر است هر نوع کمکی را خواه اقتصادی یا نظامی ، از شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و بیطرف بپذیرد »

در چهار دسامبر اولین محوله بزمین و خواربار شوروی به لائوس رسید و بعد از آن وسایل نظامی .

ولی این سلاحها هم از حیث کمیت و هم از حیث کیفیت از آنچه آمریکا بدارودسته فومی نوساوان فرستاد بمراتب عقب تر بود شوروی من خواست بپهماند که این آمریکا است که کار را شروع کرده و مرتباً هم نرخ حراج را بالا می برد

نیروهای ژنرال فومی اگر چه پنج بار بیش از نیروهای سروان کنگ له بود جرات نمی کرد بقوای کنگ له و پانت لائو که با هم متحد شده بودند حمله کند ،

آنها از خاک سیام بسوی وین تیان پیش رفتند و پس از حمله توپخانه که بیش از صد ها نفر غیر نظامی را بهلاکت رساند شهر را اشغال کردند .

و در این باره گراهام گرین نویسنده بزرگ آمریکا نوشت که : آمریکا در لائوس همان نقشی را بازی میکند که آلمان هیتلری و ایتالایای موسولینی در آسیایا بازی کردند .

با این وصف پیروزی دارودسته فومی - بن اوم دیری نپایید . دوهفته پس از اشغال وین تیان و فرار پرنس فوما به کامبرج ، سروان کنگ له بدنیالیک مانور درخشان شهر کینگ چیانگ را گرفت و بردشت زار نظارت پیدا کرد و بقوای ژنرال فومی پی در پی شکست وارد آورد و دامنه تسلط خود را بسوی جنوب و مغرب وسعت داد ،

هر چه بیشتر پیش عبرفت از هانوی برایش تجهیزات و داوطلبان بیشتری می رسید ، در ایالت فونگ سالی لشکریان ژنرال فومی بقوای سروان کنگ له پیوستند .

در ۲۲ ماه مارس قوای ضد فومی - بن اوم بدروازه های وین تیان و لوآننگ پرا بانگ رسیدند . و تنها ملاحظاتی سیاست بین المللی بود که آنها را از اشغال این دوشهر باز داشت . همانطوریکه تا کنون با وجود پیشرفتهای سریع و تصرف چهار پنجم خاک کشور هنوز این دوشهر را اشغال نکرده اند

و آنوقت بود که پرنس فوما در یک مصاحبه با خبرنگار اکسپرس اظهار داشت :

ما کمونیست نیستیم ، پانت لایو هم کمونیست نیست ؛ کنگ له هم کمونیست نیست ، درست است که مذهب بودایی ما ، ما را خود بخود سوسیالیست بار آورده است ، ولی این سیاست غلط حکومت آیزنهاور بود که بیطرفی لایوس را بسوی شوروی کشاند

همانطور که قبل از آن هم ، در گوانتالو در ایران ، در مصر در اندونزی و در کوبا چنین اتفاقی افتاده بود ، ادارات و سازمان های آمریکا در لایوس مانند وینام جنوبی و سیام و کره من خواستند جنگ ضد کمونیستی را به پشتیبانی فئودالهای فاسد و فاجاق چی ها از پیش ببرند و از اینرو ملیون و سوسیالیستها را بسمت کمونیستها سوق دادند ، آنوقت جنگ طلبان آمریکایی فریاد بر آوردند که : ببینید

شوروی در زیر سرپوش بیطرفی مشغول توسعه فتوحات خود میباشد بعضی از مشاوران کندی که هوادار سیاست لبه بر تگاه هستند طرفدار دادن اولتیماتوم بشوروی و مداخله نظامی مستقیم بودند تا پیروزی های سیاسی و نظامی نیروهای سروان کنگ له و پانت لایو را از میان ببرند . ولی بالاخره اوبه پیروی مکملان و شارل دو گول قبول کرد که لایوس بی طرف شود عملا اکنون در لایوس آتش بس داده شده است ، شوروی باتشکیل کنفرانس ۱۴ گانه موافقت کرده و این چیزیکه قبل از فتوحات پانت لایو نیز با آن موافقت داشت و بدین ترتیب مداخله آمریکا آشکارا بضرر خودش تمام شده است (همانطوریکه در کوبا چنین شد «

اتحاد و هماهنگی صمیمیت مبارزه مارافزون تر خواهد کرد

ملت ایران خود را برای يك مبارزه بزرگ جهت شرکت در انتخابات آزاد آماده میکند

توضیح

در شعر دختر خورشید بجای نهنفت نهضت چاپ شده که بدینوسیله تصحیح میشود

عوامل ترقی قیمتها و راه تثبیت وضع اقتصادی

دولتهای ضد ملی کودتا با حفظ منافع انحصارات خارجی و بانکها اقتصاد کشور ما را به بدترین وجهی وورشکستگی کشانده اند. سیاست دروازه های باز، کمکهای اسارت آور خارجی، وامهای بی حساب برای مصرف انتشار اسکناس بدون تولید موجب عدم رشد صنایع ملی و ترفی سرسام آور قیمتها گردید. کمکهای بلاعوض آمریکا و وامهای خارجی بحساب عناصر هیئت حاکمه در بانکهای خارجی گذاشته شد یا وسیله ساختمانهای غول آسا یا صرف عیش و نوش دشمنان ملت گردید.

دولت آقای دکتر مصدق در زمان حکومت خود بدون درآمد نفت و علی رغم محدودیت های اقتصادی و کارشکنیهای عوامل بیگانه وضع اقتصادی را تثبیت کرد. برای اولین مرتبه بعد از شهریور ۲۰ صادرات بر واردات فزونی داشت و رفاه نسبی عمومی تأمین گردید.

دولتهای کودتا با در آمد نفت، کمکهای آمریکا، وامهای خارجی اقتصاد کشور را با آنجائی رسانده اند که بیکاری و فقر حالت عمومی شده است.

سیاست تجارت آزاد و مبدل کردن ایران به بازار کالا های خارجی از یکطرف صنایع نوزاد ایران را در مقابل رقابت کالاهای مشابه تعطیل کرد و از طرف دیگر کمکها و وامها و اسکناسهای بدون تولید موجب ترفی درآمد ها گردید.

بموازات تعطیل تولیدات ایران و افزونی درآمد ها، قیمت هائین ترفی کرد ترفی قیمتها و ثابت ماندن حقوق ها زندگی را بر طبقات زحمتکشی بویژه حقوق بگیران (کارمندان، کارگران) سخت و شاق نمود تا آنجا که صدای اعتراض عمومی بلند است و مرتب کارگران و کارمندان درخواست اضافه حقوق دارند.

دولتهای اقبال و شریف امامی برای جلوگیری از ترفی قیمتها و اضافه حقوق به حیلہ گری پرداخته با تبلیغات وسیع علت ترفی قیمت ها را متوجه بازار و پیشه وران و کاسب کار های ایران نمودند.

بوسیله نرخ گذاری، بطرز وحشیانه ای مردم را مورد ناسزا گوئی و جرمین و زندان و شلاق نمودند. بیگمبای های نامرد، غارتگری و دزدیهای خود را پشت مشتق الفاظ رکبک که ب مردم ما نسبت دادند پوشانند.

دولت های کودتا بنام جلوگیری از ترفی قیمتها و تثبیت وضع اقتصادی غر مستقیم بغارت اموال عمومی پرداخته و به ترفی بیشتر قیمتها کمک کردند.

زبان ها و اشتباهات و خیانت های دولت های ضد ملی در نرخ بندی :

۱ - بعلت غارت اموال مردم و ورشکستگی تولیدات و عدم وصول مالیات های مستقیم دولتها هر ساله نرخ اجناس انحصاری (قند و شکر - دخانیات - نان - برقی - آب) را ترفی دادند.

۲ - با ترفی اجناس انحصارات غیر دولتی و انحصارات خارجی غارت مردم شریک شدند مانند ترفی نرخ اتوبوس - کوشک - کالا های انحصاری خارجی.

۳ - با نرخ بندی اجناس و کالا ها بدون توجه باختلاف طبقاتی، سرفللی مغازه ها، ساختمانها و محارج فروشگاهها مستقیما وسیله ترفی بیشتر قیمتها را فراهم کردند ترفی اجناس انحصاری دولتی و غیردولتی که از ضرورتترین احتیاجات مردم ماست موجب ترفی سایر کالاها و اجناس گردید.

بدین طریق دولتهای کودتا بمنظور غارت بیشتر مردم و ظاهرا بنام بهتر کردن زندگی و جلوگیری از ترفی قیمتها بوسیله نرخ بندی موجبات گرانی بیشتر را فراهم کردند نرخ بندی دولت های کودتا مانند سایر اقدامات ضد ملی آنها خیانت مستقیم بزندگی و منافع مردم ایران است.

برای تثبیت قیمتها و وضع اقتصادی ایران به اجرای اصول زیر معتقدیم :

- ۱ - حفظ و حمایت صنایع ملی ورشد بیشتر تولیدات
- ۲ - ترجیح صنایع کلید به صنایع مصرفی و استفاده از منابع بکر ایران
- ۳ - حل مساله ارضی بمنظور توسعه و ازدیاد تولیدات

کشاورزی

۴ - مصرف کمکهای خارجی و وامها فقط در امور تولیدی

۵ - مصرف در آمد نفت و انحصارات دولتی و حقوق

کمرکی در امور تولیدی و موسسات انحصاری

۶ - بستن بازار ایران بروی کالا های لوکس و غیر

ضروری

۷ - استفاده از سرمایه های خارجی طبق نقشه و برنامه

دولت ایران در مناطق و رشته هائی که دولت ملی تعیین

میکند

۸ - کوتاه کردن دست غارتگران اموال عمومی

۹ - بجای نرخ بندی شرکت دادن مردم در ساختمان کشور

و همکاری آنان در برنامه های دولت

بقیه پیام

دومین کنگره کشف اسبون محصلین و دانشجویان ایرانی

در اروپا

در حقیقت در جوامعی مانند جامعه ما نیروی محرک جوانان میتوانند عامل مهمی در تسریع تحول جامعه شمرده شود.

بپاری این نیروست که میتواند پیروزی بر ناپسامانی های اجتماعی را آسان تر و ساده تر نمود. از این رو بود که ما نمایندگان سازمانهای دانشجویی ایرانی در اروپا در دومین کنگره خود بحث و گفتگو در باره مسائل دانشجویی و حقوق و وظائف صنفی و اجتماعی ایشان را دستور کار خود قرار دادیم و با تهیه (منشور دانشجوی) حقوق و وظائف هر دانشجوی در شرائط کنونی معلوم و معین داشتیم.

بوجود شرایط زندگی و کار دانشجویان امری نیست که در پرتو طبر خواهی و صلاح اندیشی کارگزاران دستخاههای فرهنگی تحقق پذیرد بلکه معالول مستقیم کوشش ها و تکاپوهای متشکل خود دانشجویان از طریق اتحادیه ها و سازمانهای صنفی است.

بدین سبب ما فندان اتحادیه های صنفی را در ایران واقفیتی بارز و یکی از عوامل مشول مشکلات و محرومیت های کنونی دانشجویان ایران بر می شماریم.

ما با علاقه فراوان همه کوشش های شما را برای احیای مبارزات صنفی و ایجاد اتحادیه های دانشجویی در ایران دنبال میکنیم و مفتخریم که نسل جوان ایران در همه شرایط از کوشش خود باز نمی ایستد.

بدین سبب بود که کنگره ما در قطعنامه خود از دولت خواست تا هر چه زودتر موانع راه ایجاد تشکیلات صنفی در دانشگاههای ایران را از میان بردارد.

پیروزیاد جنبش دانشجویان ایرانی!

همبسته باد رشته همکاری و همراهی در میان قشر!

روشنفکر ایران

لندن ژانویه ۱۹۶۱

بقیه

لائوس

سرزمین جنگ و صلح

بحث آموزشی

۴

از ساعت ۴ صبح روز چهارشنبه ۳ ماه مه (۱۳ اردیبهشت) بفرمان «سروان کنگله» فرمانده مشترک نیروهای ملی (پانت لائو) در سراسر کشور آتش بس اعلام شد و از «پرنس بنام» نخست وزیر دولت «وین»

تیبان» خواسته شد تا نمایندگان خود را به فریه «بان نامون» واقع در ۷ میلی جنوب «فرانک وینک» در منطقه بیطرف اعزام دارند تا مذاکرات آتش بس آغاز گردد و بعد از گفتگوهای بسیار بالاخره دولت «وین تیبان» شرایط نیروهای ملی را پذیرفته، نمایندگان خود را به «بان نامون» اعزام داشت و مذاکرات آغاز گردید.

عصر دوشنبه ۸ ماه مه هم ۲۳ نفر از اعضای کنترل صلح لائوس از طریق «سایکون» وارد وین تیبان شدند تا بر جریان آتش بس نظارت کنند.

(این کمیسیون از نمایندگان سه کشور: لهستان - هند و کانادا تشکیل شده و ریاست آن با «ساماری» رئیس هیئت نمایندگی هند است.)

و مهمتر از همه اینکه کنفرانس بین المللی ۱۴ جانبه صلح و آتش لائوس که با شرکت نمایندگان ۱۴ کشور: شوروی، آمریکا، انگلستان - فرانسه - چین توده ای، ویتنام شمالی و جنوبی - سیام - برمه - کامبوج، هند، لهستان، کانادا و لائوس تشکیل میشود، فرار است.

این روزها در ژنو افتتاح شود و بدین منظور تمام نمایندگان کشور های شرکت کننده در کنفرانس (با استثنای لائوس) در آن شهر گرد آمده اند.

والیته علت عدم حضور نمایندگان کشور لائوس هم اینست که ظاهرا بر سر تعیین نمایندگان این کشور بین شرکت کنندگان در کنفرانس اختلاف است: دولت شوروی طرفدار این اصل است که هر يك از سه

دسته: نیروهای بیطرف، پانت لائو و دار و دسته قومی - بناموم، نمایندگان خود را جداگانه بکنفرانس بفرستند، و در این مورد اکثر کشورهای شرکت کننده در کنفرانس از جمله، انگلستان،

فرانسه، چین، ویتنام، هند و کامبوج هم (که تشکیل کنفرانس بین المللی صلح لائوس برای اولین مرتبه از طرف «پرنس نور دوم

سیهانوک» نخست وزیر آن کشور پیشنهاد شده) با اصل پیشنهادی شوروی موافقت ولی دولت آمریکا با شرکت نمایندگان پانت

لائو در کنفرانس بشدت مخالفت می کند. و بدین سبب تشکیل کنفرانس روز بروز بتمویق می افتد!

ولی البته اصل قضیه غیر از اینها است. واقفیت امر اینست که دولت آمریکا با روی کار آمدن يك دولت ائتلافی بریاست «پرنس

سووانا فوما» و تشکیل يك حکومت بیطرف در لائوس، مخالف است و بیطرفی را مساوی کمونیزم میدانند و چون نمی تواند

وجود يك حکومت کمونیست را در لائوس تحمل کند! بدین جهت معتقد است که: بهتر است لائوس را هم مانند کره و

ویتنام به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم نماید تا اقلا يك قسمت از آن را، هر چه قدر هم کوچک باشد، از دست کمونیست

ها نجات بدهد! و ظاهرا در این راه حاضر است که جنگ منطقه ای بی سرانجامی را هم شروع کند.

بدید دانست که: لائوس کشور کوچکی است در جنوب شرقی آسیا و فقط برای اینکه در میان کشورهای چین، ویتنام شمالی و

جنوبی، کامبوج، سیام و برمه واقع است دارای اهمیت زیاد استراتژیکی میباشد، کشوری است کوهستانی با دره های

ژرف و جنگل های انبوه و آب و هوای متغیر. مساحت آن ۸۹۳۴۳

میل مربع و جمعیت آن در حدود سه میلیون نفر است که نود درصد آن را دهقانان تشکیل میدهند.

(در سرشماری سال ۱۹۳۶ جمعیت لائوس فقط یک میلیون و دوازده هزار نفر بوده است)

شهرهای بزرگ آن: وین تیبان (پایتخت رسمی) لوانگ پرابانگ (پایتخت سلطنتی) سام نوا (واقع در دشت شمالی) و ساواناخت

(شهر بزرگ جنوبی واقع در مرکز کشور سیام) میباشد

اقتصاد آن در مرحله قودالیسم است فلاحت هنوز هم بشیوه صد هاسال پیش انجام میشود.

درون به مبارزین راه آزادی

بقیه نظام محکوم بنفا

هنوز تقلا میکند دست و پا میزند و نمیخواهد علائم برسوسیدن عمر خود را که در افق طوفان زمان مانمودار گشته است ببیند... در اینجاست که این بخت برگشتهگان مصداق سخن نبروهستند که میگوید: «نظمی که محکوم بنفاست بندرت میتواند علائم زمان را تشخیص دهد، بندرت درک میکند که دوران و کارش پایان رسیده است و باید پیش از اینکه حوادث نبرومند و شدید او را بشکل شدید و ناشایسته ای از زمین ببرد، خودش با ملایمت عقب نشینی کند» اما باید گفت که زمان به پیش میرود و نظامهای کهنه و قدیمی را که ضرورت تاریخی خود را از دست داده اند پشت سر می اندازد آنهاست که امروز نمیخواهند ضروریات زمان با آنطوریکه نبرومیکوید «علائم زمان» را درک کنند و هنوز شلاقها را در هوا میپیچانند و برق سرنیزه ها را نشان میدهند و چهار دیوار زندان را بر رخ میکشند و از «اقدامات شدید!» خود دم میزنند باید بدانند که قبل از آنان دردنیای بزرگ ما بسیاری بودند که با «غریب یک ببر» آمدند اما بیچاره و زیبون و با «نرمش یک مار» ناپدید شدند و شما نیز سرنوشت و سرانجامی غیر از آنان نخواهید داشت

بقیه ۲۹ خرداد سالروز خلع ید

توجه بوضع بین المللی آن سالها یک حادثه مهم و بزرگ جهانی محسوب میشد و انعکاس وسیعی در آسیا و آفریقا و سرتاسر جهان داشت زیرا در آن زمان دول استعماری تا این حد ضعیف نشده بودند و هنوز زنجیرهای کهن بردگی بردست و پای بسیاری از ملل آسیا و آفریقا پیچیده بود و بار ظلم و ستم استعمار بر کرده آنان سنگینی میکرد و هنوز امپراتوری انگلستان بسیاری از پایگاههای استعماری خود را بردست داشت

پیروزی مبارزه ضد استعماری ملت ایران بر رهبری دکتر محمد مصدق ملل آسیا و آفریقا را بسختی تکان داد و بحق میتوان گفت که نهضت ملی ما عامل مؤثری در بیداری مردم استعمارزده این نواحی بوده و در رشته نهضتهای ملی و ضد استعماری آسیا و آفریقا تأثیری انکار نکردنی باقی گذاشته است

پیروزی نهضت ملی ما فقط پیروزی ملت ایران نبود و فقط ملت ایران نبود که از آن بوجد و سرور در آمده بود و تحت تأثیر آن جنبش و حرکات جدیدی بیفتد و بپوشد که این جنبش بیفتخ الهام بخش برای تمام ملل شیفته آزادی و استقلال بود

هنوز آوای شورانگیز شعار «مصدق پیروز است» که از ۲۹ خرداد ۱۳۳۰ روز خلع ید در فضای وطن ما بلند شد طنین افکن است! همراه این شعار بود که نام مصدق بعنوان رهبر و مظهر نهضت ملی ایران از مرزهای میهن ما گذشت و پهنه آسیا و آفریقا را با سرعت در نور دید و در تمام جهان پیچید

هنوز انعکاسی بر طنین این آوای پر قدرت و شوق انگیز که تجسم اراده ملت ما برای آزاد زیستن است در فضای وطن رنج دیده ما بگوش میرسد

...

اگرچه ملت ایران به پیروزی بزرگی رسیده بود و استعمار انگلستان مجبور شده بود در یک صحنه از نبرد میدان خالی کند و تسلیم شود ولی هرگز دست از توطئه چینش و دسیسه بازی بر ضد حکومت ملی دکتر مصدق برنداشت. واضحست دولتتهائی نظیر دولت دکتر مصدق که در سر لویه کارشان قطع نفوذ استعماری بیگانگان و قطع ایادی داخلیشان فرار دارد خوشایند آقایان استعمارگران نیست و طبیعی است که چنین دولتتهائی که از پشتیبانی مردم برخوردارند خواب از چشم «آقایان» مهربانند

بالاخره استعمار بکمک ارتجاع و ایادی پلید و سرسپرده داخلی خود و دخالت مستقیم سازمانهای جاسوسی کشور های استعماری (که اکنون دسیسه های خود را بر ضد مصدق جزء اختطارات و خدمات خود در گزارشات رسمی سر بجا ذکر میکنند) و خرج هزاران دلار کودتای ۲۸ مرداد را سر هم بندی کردند و حکومت ملی دکتر مصدق را ساقط نمودند که تا از آن شب آقای آیدن با خیالی آسوده و راحت سر بیابان گذارد

پس از آن زندانها را انباشتند و بزور سرنیزه صدا های حقگو را خاموش کردند و با حبس و شکنجه و اعدام میهن ما را بگورستان خاموشی میدل نمودند و در چنین شرایطی قرارداد ضد ملی امینی-بیج منعقد شد که ثمرات مبارزات ملت ایران را در راه ملی شدن نفت بکلی بیاد داد و نفت ما را بدست کنسرسیوم بین المللی سپرد و بدین ترتیب علاوه بر امپریالیزم انگلستان استعمارگران امریکائی و هلندی و فرانسوی را هم در این خوان یغما شرکت داد

دانشجویان ایران در آستانه ۲۹ خرداد روز خلع ید از استعمارگران انگلیسی بدکتر محمد مصدق درود میفرستند

ملت ایران با الهام و تجربه اندوژی از گذشته نهضت ملی ایران به مبارزه فیرمانانه خود ادامه خواهد داد و حوادث نشان میدهد که روز ظفر و پیروزی بسیار نزدیک است

گرامی بداریم خاطره این روز را و گرامی بداریم یان مردانی را که برای این روز بزرگ جنگیده اند

بقیه استقبال مردم اصفهان از صالح

بسته و راه های عبور بسوی فرودگاه را محدود کرده بود هزاران نفر از مردم با خشم فراوان در مقابل پلها اجتماع کرده به پلیس قانون شکن اعتراض میکردند

با این همه پس از ساعتی بیش از سه هزار نفر با پیچیدن چند کیلومتر از بیراهه خود را بفرودگاه رساندند متأسفانه وقتی هواپیما در فرودگاه بزمین نشست روشن شد که دولت امینی آزادش را بمنتشپ رسانده و نقاب درویشی و سالیس را دریده و چهره واقعی خود را آشکار ساخته است و تصور کرده است با جلو گیری از سفر صالح میتواند تجلی احساسات ملی را مانع شود

جریان واقعه را آقای دکتر دبیری و نیز آقای قیصری با اطلاع مردم رسانیدند و طبقات مختلف مردم اصفهان از فرودگاه بازگشتند در این میان چند تن از دانشجویان دستگیر و پس از ساعتی آزاد شدند

شیراز

متأسفانه متن قطعنامه دانشجویان فیرمان دانشگاه شیراز فدوی دبیر بدست ما رسید با وجود این نظر بابهیتی که اقدام دبیران فیرمان ما در برداشته است بدرج آن میادرت میوزیم داریم و ابریم سربازان شجاع جبهه ملی ایران در شیراز درود کرم دانشجویان دانشگاه تهران را پذیرند و آگاه باشند که ماهیستدر کنارشان و همراهشان خواهیم بود و تا پیروزی نهائی ملت ایران علیه استبداد و استعمار بر جری نخواهیم نشست

قطعنامه دانشجویان دانشگاه شیراز پس از تظاهرات روزهای سی و یکم ارد بهشت و اول خرداد ماه ۱۳۴۰ علیه تشکیل کنفرانس سنتو

آقایان شرکت کنندگان در کنفرانس بهداشتی سنتو مخالفت ما دانشجویان دانشگاه شیراز با تشکیل یا تشکیل جلسات شما مخالف با علم و دانش نیست ما با اینکه بمقام علمی فرد فرد شما احترام میگذاریم و استقبال شایانی که از اساتید خارجی همیشه میکردیم نمونه باورزی از احترام و علاقه ما بعلم و فرهنگ است ولی با تشکیل این جلسات در محیط علمی دانشگاه مخالفیم ما مخالف پیمان سنتو که باعث نفوذ سیاستهای خارجی است هستیم ما نمیخواهیم در محاسبات بین المللی وارد شویم و در پلوهای نظامی شرکت کنیم مردم این مملکت احتیاج بعقل و احساس و بهداشت دارند ما میخواهیم دور از غوغای شرق و غرب بعنوان یک کشور بیطرف بساختمان سازمان اجتماع خود به برداریم و رشد و ترقی لازم را بدست آوریم مردم از ما دانشجویان دانشگاه انتظار دارند که باید جوابگیری خواسته های آنها باشیم ما نمیتوانیم ناظرو شاهد اعمال شما که صحیح یا غلط وابسته پیمان نظامی سنتو است باشیم کلمه سنتو بهر شکل و بوی قافه ای باشد مورد نفرت عموم مردم ایران است پیمان سنتو و مخارجی که بگردن ملت فیر گذاشته علاج فقر و فاقه مردم ایران را نمیکند شکم گرسنه و بدن برهنه احتیاجی بتیوب و تانک ندارد برای اینکه اساسات جاسوسی مملکت که مخالف سر سخت پیمان نظامی سنتو هستند باعث نشود که بشمال طعمه ای بزنده مقتدیم هر چه زود تر کنفرانس خود را تعطیل کنید پرجمیاتی که علامت ستوست از بام دانشگاه پائین آورید - کنفرانس شما اگر راستی فقط جنبه علمی دارد میتواند بدون تظاهر و نسب پرچم در محل دیگری غیر از دانشگاه تشکیل شود

دانشجویان دانشگاه شیراز

تهران - چهلین روز در گذشت دکتر خانعلی با شکوه فراوان برگزار شد در مراسم ختم شهید راه آزادی دانشجویان دانشگاه تهران شرکت فعالانه داشتند دسته کل کمیته دانشگاه تهران بوسیله دانشجویان بر مزار دکتر خانعلی نهاده شد و یکی از دانشجویان بنمایندگی دانشگاه سخنرانی جالبی ایراد کرد دانشجویان در خواست میکردند تا قطعنامه فرهنگیان انجام شود و قائل معلم شهید خانعلی هر چه زود تر همراه مسیون و تمامی اعضای دولت آدمکش شریف امامی به جازات برسد دانشجویان گفتند کسانی را که بخواهند خونهای خانعلی را وزارت و کالت فرار دهند نخواهند بخشید پس از مراسم ختم دانشجویان بزار موقت شهید گرامی دکتر حسین قاضی رفتند و از آن ولد مرد آزاده یاد کردند

درد بدانشجویان دلیر دانشگاه های شیراز تبریز اصفهان مشهد و دانشجویان قهرمان ایرانی مقیم امریکا و اروپا که صمیمانه جبهه ملی ایران را یاری میکنند

اگر شاعری از دولت میخواست که پولداری را در اصطبل خود نگاهدازد همه بسیار متعجب میشدند در حالیکه اگر یک پولدار کبابی از گوشت شاعر میخواست کابل طبعی بود شارل بوریس

روزی کنفرانسیوس از حوالی کوهستانی میگذشت زنی را گریبان مشاهده کرد پرسید: چرا گریه میکنی زن؟ بدیم، شوهرم و فرزندم را ببر درین راه پس چرا این سرزمین نا امن را ترک نمیکنی! برای اینکه در اینجا آزاد هستم کنفوسیرس سر رویش بگردانم گفت شاکردان بخاطر داشته باشید: یک حکومت تبادلای از بیر درنده تراست

از نهضت پرده شب، دختر خورشید نرم می بافت، دامن رقاصه صبح طلایی را و زنها نگاه سیاه خویش میسراید مرغ مرک اندیش: «چهره پرواز سحر مرده است چشم خورشید افسرده است» و ز نهضت پرده شب - دختر خورشید همچنان آهسته می بافت، دامن رقاصه صبح طلایی

پیام دومین کنگره اسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در اروپا

درودهای گرم و فراوان ما به خواهران و برادران و رفقای دانشجوی خود در ایران! ما نمایندگان دانشجویان ایرانی در اروپا در دومین کنگره خود پیوندهای عمیق و ناگسستی خود را با شما محصلین و دانشجویان دانشگاههای ایران تجدید میکنیم ما هتارزان دانشجویان دانشگاه شهید داده و بخون کشیده شده تهران و سایر دانشگاههای ایران را در راه احقاق حقوق سنتی و اجتماعی خویش می ستائیم و آنرا الهام بخش و راهنمای مبارزات خود در آینده فرار میدهیم ما که خود گوشه ای از اجتماع دانشجویی خود ایران هستیم سرسختانه مبارزه خواهیم نمود چه در ایران و چه در خارج را جامعه عمل ببوشانیم نقش تاریخی و رسالت بزرگی که در جهان کنونی بر عهده نسل جوان و بخصوص فخر و روشنفکر و مترقی آن واگذار شده است ما را بر آن میدارد که در انجام رساندن این بار بزرگ هم بسته و یار و یاور یکدیگر باشیم